



برای ایران

گاهنامه

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو



شماره یک، ژانویه 2023

تمامیت سرزمینی ایران، نه کمتر نه بیشتر!

این نوشته کوشش می کند تا به برخی از پرسشهایی که پیرامون دیدگاههای شاهزاده رضا پهلوی وجود دارند، بپردازد. طبیعتاً که برای ما مقدور نخواهد بود تا همه پرسش و پاسخهای موجود را طی یک مقاله در برابر دید خوانندگان قرار دهیم، از این روی؛ تلاش خواهیم کرد طی سلسله مقاله هایی پاسخگوی ذهن های جستجوگر و علاقه مند باشیم. امید داریم با پاسخگویی به پرسش ها و انتقادهای شما، هم مواضع و دیدگاه های پادشاهی خواهان پیشرو را برای همه از ادیخواهان تشریح کرده باشیم و هم با برخوردی پاکدانه و جدی، به زدودن غبار بی اعتمادی و ایجاد فضای ممدلی و همبستگی مبارزاتی در راه سرنگونی جمهوری ننگین اسلامی قدیمی هر چند کوچک اما، مثبت برداریم.

در این نوشته به مقوله "تمامیت سرزمینی ایران"، که همیشه از سوی شاهزاده و هواخواهان بیشمارش تاکید فراوان شده است، می پردازیم. مقوله فوق، در کنار "دموکراسی"، "سکولاریسم" و "برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین نوع "نظام سیاسی"، یکی از چهار شرطی است که شاهزاده برای اتحاد همه ایرانیان در راه برقراری ایرانی آزاد بر آن پای می فشرند.

تمامیت سرزمینی ایران

از شاهزاده رضا پهلوی و به دنبال آن از پادشاهی خواهان پیشرو، خرده می گیرند که چرا این همه به تمامیت سرزمینی ایران پرداخته و انقدر روی این موضوع پافشاری می کنید؟! برخی از خرده گیران با طرح سرسری پرسش خود، تلاش دارند تا اینچنین به مخاطبان خود القاء کنند که نیروهای

پادشاهی خواه صرفاً برای موجه جلوه دادن و مُحق بودن خود، در میان مردم هراس افکنی می کنند. اما چرا ما ملی گرایان ایرانی این موضوع را بعنوان پیش شرطی غیر قابل گذشت، در هر ائتلاف و یا اتحادی مطرح می کنیم؟ در پاسخ باید گفت؛ شاهزاده و نیروهای هوادارش می خواهند ضمن یادآوری اهمیت موضوع به ائتلاف کنندگان، آنها را به نقش سترگی که بر عهده خواهند گرفت، آگاه سازند. از همین روی، کوشش می کنیم تا هر دفعه با مطرح کردن و یادآوری اهمیت تمامیت سرزمینی، تلنگری نیز به ذهن جامعه زده و مردم را از وضعیت خطرناکی که جمهوری ننگین اسلامی، برای میهن ما بوجود آورده است، هشیار سازیم. زیرا ما جداً بر این باوریم که تمامیت سرزمینی میهن ما به خاطر موقعیت ژئوپولیتیکش در خطر بوده، هست و با بقای استبداد دینی حاکم، این خطر همواره در آینده، پر رنگ تر نیز خواهد شد.

آیا اشغال آذربایجان ایران توسط شوروی سابق، منازعات عراق با ایران بر سر مسائل مرزی، بویژه اروند رود، حمله عراق به ایران و جنگ هشت ساله و ... گواهی بر در خطر بودن تمامیت سرزمینی ایران در گذشته ای نه چندان دور، نبوده است؟ درگیریهای مسلحانه مرزی طالبان علیه مرزهای ما و پاسخ ضعیف حکومت بدان، تهدیدهای پر سروصدا علیه جزیره های سه گانه خلیج فارس، از سوی شیخ نشینهای اماراتی، و دخالت های بیجا و مکرر کشورهای عربی به این موضوع، آیا تهدیدی علیه

تمامیت سرزمینی ایران بشمار نمی آیند؟ خانه خرابی ماهیگیران زحمتکش ما در پی فروختن امتیاز ماهیگیری ساحل های جنوبی ایران به چین، آیا دست اندازی به منافع ملی و تهدیدی علیه سرزمین ما به حساب نمی آید؟! قرارداد مبهم ساخت و نوسازی بندر چابهار با دولت هند، با اختیاراتی که در این بندر به هندیان واگذار شد، آیا تهدیدی علیه سرزمین ما بشمار نمی آید؟! اوضاع رقت بار زندگی مرزنشینان ما در مقایسه با زندگی بهتر مرزنشینان بیشتر کشورهای پیرامون، آیا تهدیدی برای تمامیت سرزمینی ما نیست؟! برای کاهش سهم پنجاه درصدی ایران از دریای مازندران به سیزده درصد، که دیگر نه تهدید، بلکه عملاً دارد صورت واقعی بخود می گیرد، چه پاسخی دارید؟ برآستی آیا می اندیشید آنچه که در اینجا برای نمونه آورده شده اند، واقعی نبوده و همه زائیده ذهن های کسانی است که صرفاً برای موجه جلوه دادن و بقای سیاسی خود، بدان مبادرت می ورزند؟!

همانگونه که آگاهی دارید؛ امروزه کشورهایی که قصد دست اندازی به منافع دیگران دارند، یکباره به سرشان نمی زند که حمله ای تدارک دیده و برای تصرف بخش یا بخشهایی از سرزمین کشور دیگری به آنجا یورش ببرند. برای این منظور نخست

زمینه چینی های لازم را به عمل می آورند. در این راستا، برای پیشبرد هدف خود با صرف هزینه های هنگفت، تبلیغات گسترده ای را در دستور کار قرار می دهند. با یارکشی از کشورهای ذینفع، زمینه های مطلوب را آماده و سپس بردبارانه منتظر زمان مناسب نشسته تا با دست دادن فرصت، نقشه های خود را عملی سازند.

اجازه دهید در همین راستا، برای روشن تر شدن قضیه، به نقش تهدید کننده یکی از رقیبان دیرینه منطقه ای خود، یعنی عربستان سعودی و ابزار تبلیغاتی آن، "ایران اینترنشنال"، پرده برداریم. ما نیز چون بیشتر مردم جهان می دانیم که در عربستان، نظامی سرکوبگر بر اریکه قدرت تکیه دارد. و هیچگونه آزادی ای را برای مردم خود به رسمیت نمی شناسد. عربستان سعودی هیچگاه دل سوخته ای برای ایرانیان نداشته که اکنون خواهد آنچه را که با وحشیگری هرچه تاملتر از مردم خود دریغ می ورزد، با دست و دلبازی فراوان و با صرف هزینه های هنگفت، به رایگان در اختیار ایرانیان قرار دهد! مطمئناً ما گول ریخت و قیافه به ظاهر "آزادیخواهانه" آنها را، در رسانه "ایران اینترنشنال" نخواهیم خورد. این واقعیت را نیز بیافزاییم که کشور عربستان و دیگر متحدان استراتژیک عرب منطقه ای اش، از دیرباز با ایران بر سر مسائل منطقه ای (مانند بحرین، خوزستان، و جزیره های سه گانه و ... اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک)، سر سازگاری نداشته، ندارند، و نخواهند داشت.. از دید ما، یکی از دلایل بریز و بپاشهای این کشور در شبکه "ایران اینترنشنال"، به قصد تضعیف جمهوری دمدنش اسلامی، در جهت کسب امتیازات منطقه ای صورت می گیرد. یکی از این امتیازات می تواند درخواست عقب نشینی جمهوری خائن اسلامی (و یا هر حکومت دیگری در آینده ایران)، در مورد مالکیت جزیره های سه گانه خلیج فارس باشد. حتی اگر یک درصد خطر فوق را محتمل بدانیم، آیا این تهدیدها علیه تمامیت سرزمینی ایران نیست؟ ادامه در ص 2

فرب نبروهای نفوذی جمهورى پلشت اسلامى را نخوريم!

چندى است كه از سوى برخى از جريانات اپوزيسيون خارج از كشور، بويژه دوستان چپ، جوى نادرست، عليه نبروهای ملى و آزاديخواه هواداران پادشاهی براه افتاده، مبنى بر اينكه هواداران ما به اشكال گوناگون، به مخالفين "حمله ور" شده اند. عنوان هايي چون: "حمله اوباش سلطنت طلب به تريبون ..." يا "حمله چماقداران سلطنت طلب به ..." و يا "فحاشى نبروهای سلطنت طلب ..." به اين و يا آن جريان، تنها گوشه اى از اين ادعاها و يا تعابير نادرست آنان از واقعيت است!

سوى درستی و يا نادرستی اين ادعاها كه تا چه اندازه واقعى بوده و آيا براستى با اصل ماجرا همخوانى دارند يا نه، مايليم توجه

نبروهای اپوزيسيون جمهورى ننگين اسلامى را به چند نکته جلب نماييم:

يكم: ما پادشاهی خواهان ميهن پرست حضور نبروهای اپوزيسيون را در كنار خود، حتى اگر آنها هم نخواهند در كنار ما بيايستند، يا بنا بر محدوديتهاى زمانى و مكاني، ناچار گشته كه كنار ما باشند، به فال نيك گرفته و صرف نظر از چند و چون گمى و كيفى آنان، به آنها خوش آمد مى گوييم. چرا؟ چون ما خواهان آن ايران آزادى هستيم كه در آن هر ايرانى، داراى هر اندیشه سياسى و اجتماعى، فرهنگى و دينى اى (و يا بى دينى) كه باشد، قادر به فعاليت هابش در چارچوب قانونى اساسى اى كه برآمده از خواسته های مردم ايران خواهد بود؛ بدون ترس از تعقيب، زندان، شكجه و هرگونه آزارى، بايد بتواند آزاده زندگى و فعاليت كند. همانگونه كه در كشورهای غربى، آزادانه در كنار يكدیگر براى سرنگونى جمهورى چرك آلود اسلامى مبارزه مى كنيم، در فرداى پيروزى انقلاب نيز، در كنار همدیگر، شانه به شانه براى آبادانى ميهنمان كوشا باشيم. كنار هم بودن امروزمان، تمرينى براى آزادانه كنار هم بودن هايما، در ايرانى آزاد و دمكراتيك است.

دوم: در رابطه با ادعاهایی مبنى بر "حمله" پادشاهی خواهان به ديگر نبروهای اپوزيسيون (با پيش فرض درستی اين ادعا)؛ بايد بگوييم كه ما اين رفتارهای نابخردانه را نه تنها درست نمى دانيم، بلكه آنرا سرزنش نيز مى كنيم، از سوى هر كسى كه باشد. اما اين را نيز اضافه كنيم، واكنش های كينه توزانه برخى از دوستان چپ، كه احتمالاً رفتارهای هيچانى و احساسى، اما نابخردانه چند هوادار را ملاك قرار داده و برچسب "چماقدار" يا "اوباش" گل آن جريان سياسى ميزنند را نيز نمى پذيريم، و آنرا قويا محكوم مى كنيم. چه اينكه فحاشى به يك جريان سياسى، و "چماقدار"، "اوباش" و ... ناميدنشان، خود بيانگر حمله زباني به آن جريان سياسى است و فرق چندانى با حمله فيزيكى ندارد، و اين هرگز پذيرفتنى نيست.

ما بر اين باوريم بخش گسترده اى از حملاتى كه ادعا مى شود از سوى جريانات آزاديخواه پادشاهی به مخالفين صورت مى گيرد، كار عوامل مزدبگير جمهورى فريبكار اسلامى است. اين واقعيتيست روشن كه دستگاه پليد حاكم، براى تفرقه افكنى در ميان مخالفانش دست به هر نيرنگ و فريبى مى زند. يكى از راههای چيره شدن و بى اثر كردن فريب آنان، هوشيارى همه نبروهای انقلابى نسبت به اينگونه ترفندها مى باشد. ما به روشنى و صراحت مى گوييم كه خواهان درگيرى چه فيزيكى و چه زباني با هيچ يك از نبروهای اپوزيسيون جمهورى پليد اسلامى نيستيم. چه اينكه اينگونه درگيرى ها نه به سود ما است و نه به سود كل جنبش سرنگونى خواه! ستيزه جويى هايى از اين دست، دلسرد شدن ها را در پى دارد، چيزى كه آزاداندیشان پادشاهی خواه به هيچ روى و تحت هيچ قيمتى، هرگز خواهان آن نيستند! نوک تيز حمله ما، تنها و تنها، دشمن همه ما، جمهورى نيرنگ و ريا اسلامى را نشانه گرفته است.

راه ديگرى كه مى توان برگزيد تا به اين تفرقه افكنى پايان داد و در برابر فريبكارى عوامل مزد بگير اين رژيم كتيف، هوشيارى بخرج داد، هماهنگى تظاهرات و اعتراضات سازماندهى شده بهمراهى نمايندگان نبروهای آزاديخواه پادشاهی مى باشد. اين امر هم موجب همبستگى بيشتر ميان جنبش سرنگونى خواه خواهد شد و هم هر كسى كه بخواد جوى تحريك، دوبهم زنى و نفاق ايجاد كند، سريعاً شناسايى شده و رسوا مى گردد.

در پايان، ما خواهان آنيم كه همه ما در كنار هم، با حفظ صفوف، پرچمها و شعارهايما، اما متحدانه عليه جمهورى ننگين و چرك آلود اسلامى، تا سرنگونى كامل آن مبارزه كرده، و براى ساختن ايرانى آزاد، آباد و نبرومند شانه به شانه هم تلاش كنيم. و چنين باد!

درباره شعارهای ما!

جمهورى ددمنش اسلامى، و آن اقداماتى كه در زمينه های سياسى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى، در فرداى پيروزى انقلاب بايد انجام پذيرد براى مردم سرزمينمان، روشن سازند.

مرگ بر جمهورى اسلامى"، "جمهورى اسلامى نمى خواهيم"، "مرگ بر خامنه اى" و ... گويای اين واقعيت است كه ما پادشاهی خواهان، جمهورى پليد اسلامى و همه جناح های آنرا، مسئول ادامه در ص 4

شعارها عموماً مبين خواسته ها و برنامه هايى هستند كه از سوى جريانهای سياسى و يا توده های مبارز، طرح شده و با بيان آنها، بصورت خلاصه و مفيد هدفهای سياسى و اقتصادى خود را روشن مى سازند.

نبروهای آزاديخواه هوادار پادشاهی نيز با طرح شعارهايى مشخص، تلاش دارند تا دينگاههای خود را درباره مبارزه براى سرنگونى

اعدام، تجاوز، شکنجه، زندان، چشم کور کردن، قطع دست، سنگسار، گورخوابی، کارتین خوابی، جنگ افروزی، مهاجرت، بحرانیهای اقتصادی، آدم ربایی، قتلهای زنجیره ای، اختلاس و ... از جمله دستاوردهای جمهوری ننگینی است که دستان رهبران آن برای چپاول سرمایه و دسترنج توده های زحمتکش ما، تا شانه در خون مردم سرزمینمان ایران، فرو رفته است.

جمهوری پلیدی که هرگاه دستگاههای نیرنگشان، برای دزدی و چپاول، کارایی خود را از دست می دهند، بی مهابا، بی هیچ عذر و بهانه ای، چون آبان 98، به روی مردم زحمتکش، آتش می گشایند.

سخت در اشتباه خواهیم بود، اگر ثانیه ای بیاندیشیم همه این جنایات، فقط نتیجه ندانم کاری، سوء مدیریت و یا بیسوادی رهبران فاسد این نظام چرک آلود است! اگر این است، پس چرا هنگام اختلاسهای نجومی، و یا چپاول دسترنج کارگران، و غارت منافع و منابع ملی، دچار لغزش و اشتباه نمی شوند؟! یا اینکه در بکار بردن خشونت عربان و کشتار مردم معترض و آگاه ما، لحظه ای درنگ نمی کنند؟!

مردم ستمدیده ایران:

همانگونه که خود دریافته اید و در مبارزاتمان نیز نشان داده اید، برای رهایی از این همه ظلم و ستم، برای رهایی از یوغ چپاولگران سرکوبگر، برای رهایی از چنگال دیو خودکامگی و استبداد دینی حاکم، راهی جز مبارزه تا سرنگونی این نظام دمدنش در برابر ما نمانده است. برای دستیابی به آزادی، ایجاد و برقراری نهادهای دموکراتیک مستقل از دولت، عدالت اجتماعی، و رهایی از بندهای تبعیض از هرگونه پیدا و نهانش، و برای دستیابی به رفاه اجتماعی که در آن نه کودکی برای یافتن تکه ای نان تا کمر در سطل زباله خم شود، و نه مادری برای تأمین خوراک کودکش ناچار به تن فروشی گردد، و برای اینکه هرگز شاهد ده ها و صدها پدیده شوم اجتماعی دیگر که فرآورده و باز تولید همین نظام جمهوری گندیده اسلامیست، نباشیم؛ ناچاریم که تا سرنگونی کامل این لاشه فرتوت، به مبارزاتمان ادامه دهیم.

مردم مبارز ایران، آزادیخواهان آگاه:

تاریخ انقلابات در سرتاسر جهان ثابت کرده؛ تنها مردمی بخت پیروز شدن و آزاد زیستن را داشتند، که پیش از هر چیز به سلاح همبستگی و اتحاد دست یافته باشند. تنها سلاح و راه نجات در برابر نیرنگ و با قدرت آتش دشمنان، همبستگی ماست، زیرا "این درد مشترک، جدا جدا درمان نمی شود".

برای مقابله با نیروی مردم ستیز اهریمنان، اتحاد آگاهانه ما، اتحادی که بر بستر درک و پذیرش خواسته های دموکراتیک همه نیروهای شرکت کننده در آن باشد، به امری ضروری تبدیل گشته است. درک و پذیرش اهمیت این همبستگی و شرکت جستن در آن، گام ضروری و بلندپست که می تواند مبارزات توده های در زنجیر ما را، بسوی آزادی رهنمون سازد. و چنین باد!

هم میهنان مبارز و آگاه خارج از کشور:

پیروزی جنبش ملی - دموکراتیک ملت ایران در گرو همبستگی، پشتیبانی و همراهی هرچه بیشتر شماست. با شرکت جستن در میتینگ ها، راهپیمایی های اعتراضی ... و یا هر روش مبارزاتی که خود می شناسید و به آن باور دارید، به انقلاب توده های تحت ستم ایران یاری رسانید!

بکوشیم تا بانگ رسای آزادیخواهی ملت ایران در هر کجای دنیا که هستیم، باشیم.

آزادی سیاسی برای همه ایرانیان!

پاینده ایران!

با توجه بر آنچه که تاکنون گفته شد، به باور ما، این تهدیدها علیه تمامیت سرزمینی ایران و در پی آن، امنیت و منافع ملی ایرانیان واقعی، محتمل و جدی هستند. و شاهدزاده رضا پهلوی، به درستی در اینباره و در این بازه زمانی، احساس خطر و مسئولیت می کنند. کم اهمیت جلوه دادن و یا به سخره گرفتن تمامیت سرزمینی ایران، اقدامی علیه منافع ملی و آب به آسیاب اتحاد نامیون ارتجاع منطقه و ... ریختن است.

بنابر آنچه که تاکنون شرح رفت؛ اتفاقا یکی از دلایل دیگری که پادشاهی خواهان بر سرنگونی جمهوری چرک آلود اسلامی تاکید ورزیده و مصرانه خواهان استقرار یک ساختار سیاسی ملی هستند، از واقعی بودن همین تهدیدها سرچشمه می گیرد. حکومت فاسد دینی با ضعیف سازی ایران در حوزه های اقتصادی، سیاست بین المللی، انزوای تاریخی و ... آن فرصت مطلوبی که رقبا به دنبالش بودند را، تا اندازه زیادی برای ارتجاع منطقه فراهم آورده است.

سامان گودرزی

به نام توده های ستمدیده ایران، و به نام آزادی!

سرنگونی هواپیمای مسافربری پرواز شماره 252 خط بین المللی هواپیمایی اوکراین، توسط موشکهای ضد هوایی سپاه پاسداران، در تاریخ هشت ژانویه 2020، و کشتار هولناک 126 تن از سرنشینان آن، بار دیگر به مردم ایران و سراسر جهان نشان داد که رهبران دمدنش جمهوری پلید اسلامی برای بقای ننگین خود، از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نیستند. نخستین بار نبود که این نظام ریاکار، در طول حاکمیت ننگین خود دست به چنین جنایت هولناکی می زد؛ رژیم نوکیسه، در همان اوان پس از کسب قدرت سیاسی، با یورش نظامی به ترکمن صحرا در تاریخ اول فروردین 1358، با به گلوله بستن مردم بی دفاع آن سامان، ماهیت ضد مردمی خود را بر همگان آشکار ساخت. در پی این یورش وحشیانه، و با ربودن رهبران جنبش دهقانی مردم ترکمن صحرا، یعنی: توماج، جرجانی، مختوم و واحدی، و با به قتل رساندن و رها کردن تن های بی جانشان در بیابان، اوج وحشیگری خود را در دید همگان به نمایش گذاشت. چندی نپایید که رژیم با آغاز و تحمیل جنگ مسلحانه علیه مردم ستمدیده کردستان و در پی آن سرکوب خشونت بار عربهای استان خوزستان، کوشش کرد تا پایه های قدرت خود را با ریختن خون مردم ایران استحکام بخشد.

اعدام های گسترده نیمه نخست دهه شصت و قتل عام دهشتناک زندانیان سیاسی بی گناه در نیمه دوم همان دهه، حمله به کوی دانشگاه در سال 78، قتلهای زنجیره ای، سرکوب جنبشهای اعتراضی، کارگری و مردمی دهه های هفتاد و هشتاد، سرکوب اعتراضات حق طلبانه زحمتکشان در سرتاسر دهه نود، کشتار وحشیانه کودکان، زنان، مردان و جوانان معترض، در روند خیزشی که هم اکنون نیز ادامه دارد، بیانگر این حقیقت است که تا هنگامی که دستگاه جمهوری ستمگر اسلامی در ایران واژگون نشود، نمی توان پایانی بر جنایتهای ادامه دار استبداد دینی حاکم، علیه مردم رنجیده ما متصور شد.

اتحاد

مبارزه

پیروزی

یا اینکه خواهان جاودانگی شخص بخصوصی باشیم. "جاوید شاه"، به ماندگاری نام آن شاهی در تاریخ اشاره دارد که با اقدامات نیکو و پسندیده که بر پایه پاسخ به نیازهای مبرم مردمش باشد، نامش به نیکویی در تاریخ جاودانه گردد. و در دوره کنونی این امر با برقراری؛ حکومت قانون، رفاه اجتماعی، تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، همزیستی صلح طلبانه و مسالمت آمیز با همه کشورهای جهان بر پایه منافع ملی، جدایی صد در صدی دین از حکومت و قطع هرگونه کمک دولتی به دینداران و ... امکانپذیر می باشد.

اهمیت این شعار و درستی آن، بیشتر بر خواسته های کنونی مبارزاتی مردم ما در طول ۴۳ سال گذشته تاکید دارد که بیش از نود درصد این خواسته ها را در سال‌های پیش از "انقلاب ۵۷"، دارا بودند، و در نتیجه حکومت ننگین آخوندها، در این ۴۳ سال، از مردم ایران بازپس ستانده شد!

ما پادشاهی خواهان آزادیخواه، که زمامداری دوره خاندان ایران ساز پهلوی را تجربه کردیم، بر این باوریم که با سر دادن شعار "جاوید شاه"، نمی خواهیم چون "انقلابیون" دهه پنجاه، خود را گرفتار شعارهای بلند پروازانه از نوع "برابری و مساوات" و یا "آرمان خواهانه"، کنیم. رویا پردازی هایی که به امید دست یافتن آن رویاها، از زمین و واقعیتهای آن کنده شده و مردم خود را به عزا بنشانیم. ما با سر دادن جاوید شاه، بر این باوریم که باید آب رفته را به جوی بازگرداند، باید با جاری ساختن حکومت قانون، آزادیهای فردی و اجتماعی مردم را محترم شمرد و راه را برای ساختن ایرانی آزاد و آباد برای همه ایرانیان، با هر نگرش سیاسی و عقیدتی، هموار سازیم.

ما در طرح شعارهای خود ابدًا خواهان مرگ و نیستی گروه، سازمان و حزبی نیستیم. شاید مخالف برنامه و شعارهای دیگر جریانهای سیاسی باشیم، که این حق طبیعی ما است، و همین حق را برای آنها نیز قائلیم که مخالف برنامه و شعارهای ما باشند. اما به هیچ روی، نه اکنون و نه در فردای ایران آزاد، خواهان نابودی هیچ جریانی نیستیم. آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی تشکل های سیاسی و صنفی و دسترسی به اینترنت آزاد غیردولتی، حق انکارناپذیر همه ایرانیان، در ایرانی آزاد است! و این است مراد ما از شعار "جاوید شاه". و چنین باد!

ویرانی کشور، درددری و آوارگی ایرانیان، فقر، فحشا، گرانی، گرسنگی، گورخوابی، کارتن خوابی، بی خانمانی، و هزاران دردهای اجتماعی دیگر می دانیم. و تنها راه رهایی از این همه پریشانی و دردمندی اجتماعی را، در گام نخست، در سرنگونی جمهوری پلشت اسلامی و محاکمه قانونی همه سردمداران آن ارزیابی می کنیم.

با شعار "**رضا شاه روح شاد**"، هم با فریاد دادخواهی مردم سراسر ایران هم نوا می شویم، و هم اشاره به دورانی داریم که رضا شاه بزرگ، در بازه زمانی تنها 16 سال، چهره ایران را با سازندگی هایش دگرگون ساخت. با طرح شعار فوق و با بهره گیری از چنین الگویی، ما قصدمان را برای ساختن ایرانی نیرومند و سر بلند آشکار می سازیم. با تعیین نیازهای جامعه اقدام به ساخت کارخانه ها، بیمارستانها، دبستانها و دبیرستانها و دانشگاههای مناسب کرده و جامعه را از نظر صنعتی تا سرحد ممکن رشد داده و ضمن کارآفرینی، موجبات ترقی کسب و کار مردم زحمتکش را فراهم می آوریم. جنگل کاری و ایجاد فضاهای سبز و حفظ محیط زیست نیز در اولویت های نخست قرار خواهند گرفت. به همراه محقق ساختن صدها طرح و برنامه اقتصادی دیگر، از جمله تأمین آب مصرفی لازم جهت کشاورزی، کشور را از این همه بحرانهای تمام نشدنی، رها می سازیم.

(بدین منظور طرحی برای کمبود مواد خوراکی، مشکلات کم آبی و احیای محیط زیست آماده شده که با اجرا و تکمیل آن، بسیاری از گرفتاریهای مبین ما را، چاره پذیر ساخته و در کنار آن بیست میلیون فرصت شغلی مستقیم و غیر مستقیم ایجاد خواهد کرد. پیبندی در پایان همین مقاله شما را به فیلمی مستند در همین رابطه رهنمون کرده و جزییات بیشتری را برایتان آشکار خواهد ساخت. این فیلم اینک به زبان انگلیسی است و تلاش برای برگردان پارسی آن در حال انجام است.)

ایرانی بسازیم که مردمانش به خاطر لقمه ای نان شرافتمندانه به کولبری و سوخت بری و ... روی نیاورند. سرزمینی بسازیم که در آن داشتن خانه نه روبا، که به واقعیت تبدیل شده و گور خوابی و کارتن خوابی به بوتۀ فراموشی سپرده شوند. کشوری که مردمانش بهترین درمانهای پزشکی را به رایگان دریافت کنند و از تحصیل و آموزش رایگان (از مهد کودک گرفته تا بالاترین سطح در دانشگاهها) بهره مند گردند. ایرانی که مردمانش برای یک زندگی آسوده و بی دغدغه، ناچار نباشند از بام تا شام کار کنند و هنوز هشتشان گرو نُهشان باشد. سرزمینی که زنانش از آزادیهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همپای مردان برخوردار بوده، و اقوام ایرانی هیچگونه تبعیضی را تجربه نکنند. آری؛ "رضا شاه روح شاد"، مسیر تحقق برنامه هایی هستند صد در صد دست یافتنی برای مردم سرزمینمان.

برای ما پادشاهی خواهان آزادیخواه اهمیت شعار "**جاوید شاه**" در آنست که با طرح آن به ساختار و محتوای حکومت آینده می پردازیم. طرح این شعار فقط به خاطر پیوند تاریخی و فرهنگی با آن نیست و

خواهشمندیم با فرستادن رهنمود و انتقادهای سازنده خود به ما یاری رسانید! نشانی تماس:

padeshahi1339@hotmail.com

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

کارگران، زحمتکشان، کشاورزان اتحاد اتحاد!
فرهنگیان، هنرمندان، ورزشکاران اتحاد اتحاد!
کرد، لر، بلوچ، ترک، عرب، بختیاری، گیلک، مازنی، فارس اتحاد اتحاد!

ایرانیان اتحاد!